

The Role of the Governance System of Higher Education in Promoting the National Identity of Iran

Abdolrahman Hassanifar*

Majid Abbaszadeh Marzbali**

Abstract

National identity is one of the important fields that any government can manage in a way by adopting strategic policies and policies, and thus, the tendency of the members of the scientific, academic and student community, to strengthen awareness and knowledge about it; Because the issue of national identity is important for society in different ways. The first important point is that national identity can provide reasons for strengthening solidarity and cohesion in the country. Second, dealing with the challenges of national identity requires taking into account the changes and developments that require knowledge and awareness. Meanwhile, one of the important tools and mechanisms of the government to develop and strengthen the national identity, through the channel of awareness, is the institution of higher education. The university education system in the channel and path of education can transfer the concepts and proper understanding of the challenges and issues of national identity in the changing conditions and the need to adopt a suitable scientific strategy for it. So that, as a result, the grounds for strengthening people's sense of belonging to their national identity through science and knowledge are provided, which ultimately leads to the consolidation of solidarity and social cohesion. Considering the importance of this issue and the complex challenges that have arisen in connection with the national identity, the necessity of using this capacity is felt more and more. The State of the

* Associate Perofessor of Political History, Institute for Humanities and Cultural Studies (Corresponding Author),
hassanifar@yahoo.com

** Ph. D of Political Science, Institute for Humanities and Cultural Studies, m.a.marzbali@gmail.com

Date received: 19/07/2023, Date of acceptance: 25/11/2023



Abstract 2

Islamic Republic of Iran is also forced to make better use of higher education in order to train students in order to strengthen their orientation towards their national identity. Considering the fact that a large part of Iran's population is young and in the era of globalization, and the role of this phenomenon in weakening the tendency of many Iranian students towards their national identity, this issue has become more necessary. The method of the article is descriptive-analytical and the findings indicate a change in some orientations towards new challenging situations.

Keywords: Governance, Higher education, National identity, Globalization, Cyber space, Iran.

نقش نظام حکمرانی آموزش عالی در ارتقاء هویت ملی ایران

عبدالرحمن حسینی فر*

مجید عباسزاده مرزبالی**

چکیده

«هویت ملی» از جمله عرصه‌های مهمی است که هر حکومت و حکمرانی می‌تواند با اتخاذ سیاست‌ها و خط‌مشی‌های راهبردی به مدیریت مناسب این حوزه بپردازد و بدین وسیله، گرایش اعضای جامعه علمی، دانشگاهی و دانشجویی را نسبت به آن از مسیر آگاهی و دانش تقویت نماید؛ چراکه این موضوع از جهات متفاوت برای هر جامعه‌ای مهم است؛ هویت ملی می‌تواند موجبات تحکیم همبستگی و انسجام در کشور را فراهم کند. پرداختن به هویت ملی معطوف به چالش‌ها، مستلزم در نظر داشتن تغییرات و تحولاتی است که ضرورت دانش و آگاهی را طلب می‌کند. در این میان، یکی از ابزارها و سازوکارهای مهم برای تکوین و تقویت هویت ملی، از مجرای آگاهی، نهاد آموزش عالی است. سیستم آموزشی دانشگاهی در کانال و مسیر آموزش می‌تواند به انتقال مفاهیم و فهم مناسب چالش‌ها و مسائل هویت ملی در شرایط در حال تغییر و لزوم اتخاذ راهبرد علمی مطلوب در قبال آن بپردازد. تا بالتبع آن، زمینه‌های تقویت حس تعلق افراد به هویت ملی خود از طریق علم و دانایی فراهم شود، که در نهایت آن منجر به تحکیم همبستگی و انسجام اجتماعی می‌شود. باتوجه به اهمیت این موضوع و چالش‌های پیچیده‌ای که در ارتباط با هویت ملی شکل گرفته، ضرورت استفاده از این ظرفیت بیش‌ازپیش حس می‌شود. دولت جمهوری اسلامی ایران نیز در حال حاضر ناگزیر از بهره‌گیری مطلوب‌تر از آموزش عالی به منظور تربیت دانشجویان در جهت تقویت گرایش آنان به هویت ملی خود است. این مسئله باتوجه به جوان‌بودن بخش عمده‌ای از جمعیت ایران و قرارداد داشتن در عصر جهانی شدن و نقش این پدیده در تضعیف گرایش بسیاری از دانشجویان ایرانی نسبت

* دانشیار تاریخ سیاسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسئول)، hassanifar@yahoo.com

** دکترای علوم سیاسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، m.a.marzbali@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۴



به هویت ملی خود، ضرورت پرداخت بیشتری یافته است. روش مقاله، توصیفی - تحلیلی بوده و یافته‌ها، حکایت از تغییر در برخی جهت گیری‌ها معطوف به وضعیت‌های چالشی جدید است.

کلیدواژه‌ها: حکمرانی، آموزش عالی، هویت ملی، جهانی‌شدن، فضای مجازی، ایران.

۱. مقدمه

هویت ملی از موضوعات مهمی است که در حوزه عمومی و کلان هر جامعه ای وجود دارد. بحث ملیت و هویت ملی، تابع تاریخ و سیاست و تجربه زیسته و فعالیت‌های کنش‌ورزانه یک ملت است. شکل هر جامعه‌ای به هر نحوی که باشد به نوعی متأثر از سیاست هم هست و این سیاست، در دل هویت ملی وجود دارد. از زمانی هم که نظام ملت - دولت‌ها (Nation-State) شکل گرفته، بحث دولت‌های تابع ملت‌ها نیز مهم‌تر شده است. هویت ملی دارای سه پایه است: اول، تاریخی که بر یک ملت رفته و طبعاً خود دارای مولفه‌ها و محتوایی است. دوم، سیاستی که مستقر است و سوم، تغییرات و تحولاتی که به نوعی باعث چالش در حوزه هویت ملی می‌شوند. این سه حوزه، ثابت و ایستا نیستند و هر زمان، فهم جدیدی از آنها می‌تواند شکل بگیرد. پایه اول که معطوف به تاریخ است و چون از جنس تاریخ است و در تاریخ هم اصل «گفتگوی ناتمام» حاکم است بحث تفسیرها و تحلیل‌های جدید، همیشه وجود دارد و این در ارتباط با هویت ملی نیز وجود دارد. سیاست مستقر هم تابع تغییر حکومت‌ها، کارگزاران، سیاست‌ها و تصمیم‌ها، همیشه احتمال تغییر هست. چالش‌ها نیز تابع واقعیات هستند و هر زمان می‌تواند واقعیتی بروز کند که چالشی جدید را رقم بزند.

امروزه در حوزه هویت ملی به‌خاطر تغییرات عینی فراوان در عرصه علم و آگاهی و کنشگری، چالش‌هایی برای هویت ملی رقم خورده است که باعث می‌شود نظام سیاسی و حکمرانی نسبت به این موضوع فراتر از آداب و رسوم و آیین‌ها و حکمت و خرد تاریخی عمل کند و عملکردش با عطف توجه به تاریخ متوجه وضعیت‌های جدید در حال اتفاق افتادن باشد. این همان عرصه حکمرانی است. اگر حکمرانی را اعمال اقتدار حکومت از طریق نهادها و ابزارهایی به‌منظور اداره و مدیریت امور و سطوح مختلف کشور در نظر بگیریم، در این صورت هویت ملی یکی از عرصه‌های موضوعی مهمی است که حکومت‌ها می‌توانند با اتخاذ سیاست‌ها و به‌کارگیری ابزارها و روش‌های مناسب به مدیریت در آن بپردازند. اهمیت هویت ملی به‌عنوان میراثی تاریخی و انباشتی به دلیل نقش آن در همبستگی و انسجام ملی

نقش نظام حکمرانی آموزش ... (عبدالرحمن حسنی فر و مجید عباسزاده مرزبالی) ۵

کشور است. همبستگی و انسجام هم اگر وجود داشته باشد، امنیت، قدرت و ظرفیت نیز حاکم است که این خود نتایج مفیدی برای جامعه در بر خواهد داشت و این موضوع، حکومت‌ها را ملزم به توجه جدی به این حوزه راهبردی کرده و از این رو سعی می‌کنند تا با اتخاذ راهبردها و به‌کارگیری ابزارهایی به تقویت گرایش اعضای جامعه‌شان نسبت به هویت ملی خود و در نتیجه، تحکیم همبستگی و هویت ملی در کشور بپردازند.

دوام و بقای مناسب هر امر اجتماعی و فرهنگی که جنبه‌های تاریخی دارد به عوامل مهمی چون نوع سیاست‌های حکومت و شیوهی حکمرانی وابسته است، بنابراین استمرار، پویایی و بقای هویت تاریخی ملی یک جامعه نیز ارتباط اساسی با عوامل مذکور دارد و از این رو عدم اتخاذ روش‌ها و راهبردهای مناسب در عرصه حکمرانی در رابطه با موضوع هویت ملی می‌تواند موجبات نوعی تضعیف همبستگی و هویت ملی در کشور را فراهم نموده و آن کشور را از دست‌یابی به ثبات و پیشرفت دور نماید. یکی از سازوکارهای مهم حکومت‌ها برای تکوین و تقویت هویت ملی و ایجاد زمینه‌های تعلق به آن در نزد اعضای جامعه، نهاد آموزش عالی است. ورود به این عرصه، حرکت در مسیر دانشگاه ملی است. دانشگاهی که به مشکلات جامعه خود توجه دارد. ورود حکمرانی در این عرصه، همراه با نوعی سیاست‌گذاری و طراحی خط مشی است.

نقش [آموزش عالی] در تکوین و تقویت هویت ملی چنان بارز است که هیچ کشوری را در جهان نمی‌توان یافت که بدون بهره‌مندی از آن توانسته باشد به این مهم دست یافته باشد (مقصودی، ۱۳۹۱: ۵). آموزش عالی بالاترین سطح آموزش رسمی محسوب می‌شود که دارای بازده خصوصی و عمومی است. از این رو بیشتر دولت‌ها و جوامع توجه و تمایل ویژه‌ای به سیاست‌گذاری و سرمایه‌گذاری در این حوزه و گسترش آن دارند. توجه به آموزش عالی و تأثیر آن در جامعه موجب شده است که یکی از حوزه‌های پیشرو در بحث تحولات هویتی باشد (سیدعلوی و مهاجران، ۱۳۹۶: ۱۳۸). سیستم آموزشی دانشگاهی در کانال و مسیر آموزش می‌تواند به انتقال مفاهیم و فهم مناسب چالش‌ها و مسائل هویت ملی در شرایط در حال تغییر و لزوم اتخاذ راهبرد علمی مطلوب در قبال آن بپردازد، تا بالتبع آن، زمینه‌های تقویت حس تعلق افراد به هویت ملی خود از طریق علم و دانایی فراهم شود که در نهایت آن، منجر به تحکیم همبستگی و انسجام اجتماعی می‌شود. در واقع امروزه دانشگاه‌ها به یکی از مهم‌ترین کانون‌های خودآگاهی هویتی تبدیل شده‌اند که از نقش اساسی در زمینه هویت ملی برخوردارند و

می‌توانند موجبات گرایش افراد به ملت و هویت ملی را فراهم کرده و بدین وسیله به دولت‌ها در ایجاد و تحکیم همبستگی ملی کمک نمایند.

با توجه به آنچه بیان شد، دولت جمهوری اسلامی ایران نیز در حال حاضر ناگزیر از بهره‌گیری مطلوب‌تر از نهاد آموزش عالی به‌عنوان یکی از ابزارهای مهم حکمرانی خود، به‌منظور تربیت و آموزش دانشجویان در جهت تقویت گرایش آنان به هویت ملی خود و در نتیجه، تحکیم همبستگی و انسجام اجتماعی در کشور می‌باشد. در کشور ایران با توجه به اوضاع و ویژگی‌های جمعیتی، امر آموزش اهمیت زیادی دارد، زیرا بخش عمده‌ای از جمعیت کشور جوان هستند و دانشگاه در شکل‌گیری هویت این گروه سنی تأثیر به‌سزایی دارد. بنابراین با توجه به نقش اساسی این نهاد آموزشی در زمینه‌ی هویت ملی، دولت جمهوری اسلامی می‌بایست در این عرصه تمهیداتی را اتخاذ نماید تا در نتیجه‌ی آن، افرادی پرورش یابند که توجه به هویت ملی ایرانی و مبانی آن را در هویت‌جویی لازم و حیاتی انگارند. این مسئله با توجه به قراردادن در عصر موسوم به جهانی شدن و تأثیر انکارناپذیر این پدیده بر جامعه ایران، اهمیت بیشتری پیدا کرده است.

امروزه ما در جهانی زندگی می‌کنیم که مرزهای جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی کشورها شکسته شده و هویت‌ها و فرهنگ‌های جوامع مختلف در تبادل، تعامل و تقابل با هم قرار گرفته‌اند. می‌توان گفت برخلاف گذشته، در جهان امروز و در نتیجه‌ی گسترش جهانی شدن و فضای مجازی (به‌عنوان یکی از ابزارهای مهم جهانی شدن)، مرزهای نفوذناپذیر بین مقولات و گروه‌های هویتی، دیگر مستحکم نمی‌باشند، بلکه به‌شدت آسیب‌پذیر و شکننده گشته‌اند و فضای انحصاری هویت‌سازی که در اختیار حکومت‌ها بود از بین رفت (ر.ک: عباسی قادی و خلیلی کاشانی، ۱۳۹۰؛ گل محمدی، ۱۳۸۹؛ گیدنز، ۱۳۸۴). در چنین شرایطی افراد در جریان هویت‌یابی با ارزش‌های متنوعی روبه‌رو می‌گردند، به‌طوری‌که منابع جدید و فراملی را جذاب‌تر از منابع سنتی جامعه خویش می‌یابند و از این رو در تصویر هویتی خویش دچار تردید و بحران می‌شوند. در همین ارتباط و در نتیجه‌ی نفوذ و گسترش فضای مجازی در ایران و مواجهه‌ی هرچه بیشتر ایرانیان با جوامع و فرهنگ‌های دیگر، بسیاری از آنان در معرض پرسش‌های اساسی در زمینه کیستی و هویت ملی خود قرار گرفته‌اند (ر.ک: آزاد ارمکی، ۱۳۹۰؛ بابایی فرد، ۱۳۹۲؛ میرمحمدی، ۱۳۹۴؛ عباس‌زاده مرزبالی، ۱۴۰۰).

نکته‌ی مهم در اینجا این است که در ایران امروز بخش قابل‌توجهی از کاربران فضای مجازی را دانشجویان تشکیل می‌دهند و قرار گرفتن آن‌ها در برابر این پدیده باعث شده است

آنان با هویت‌ها و منابع هویتی جدیدی روبه‌رو شوند، که این مسئله بر گرایش آن‌ها نسبت به هویت ملی خود و منابع سنتی هویت ملی کشور یعنی ایرانیت و اسلامیت، تاثیر منفی گذاشته است. همچنین در کنار این، بسیاری از دانشجویان قومی ایرانی نیز با بهره‌گیری از امکانات ارتباطی جهانی شدن، درصدد تقویت هویت قومی‌شان به ضرر هویت ملی خود برآمده‌اند. به باور این مقاله، استمرار این وضعیت، در صورت عدم اتخاذ سیاست هویتی و شیوه مدیریتی مناسب در عرصه آموزش عالی از سوی نظام حکمرانی می‌تواند موجبات بروز بحران هویت ملی و تضعیف همبستگی و انسجام اجتماعی در کشور را فراهم نماید. حرکت در مسیر طرح هویت ملی ایران در نهاد آموزش عالی و توجه حوزه حکمرانی به آن از چند جهت مهم است؛ یکی از این جهت که نوعی تلاش در جهت رفع اشکالی است که نسبت دانشگاه‌ها در ایران وجود دارد و آن اینکه دانشگاه در این جامعه به محتوای تاریخی و طرح مشکلات و مسائل ایران نمی‌پردازد. دوم اینکه قرار دادن موضوع هویت ملی در سطح حکمرانی عالی علمی نشان از اهمیت آن دارد و در این میان توجه به کنه این حوزه است و آن، پایه و مبنای علمی بحث هویت ملی است. به عبارت دیگر موقعی که موضوع هویت ملی در حوزه آموزش عالی آورده می‌شود باید از قدرت و توان علمی لازم برخوردار باشد تا بتواند باعث بقا خود شود. در بحث سیاستگذاری مربوط به هویت ملی حتماً لازم است به نسل‌های دانشگاه که مراحل آموزش، پژوهش، کارآفرین و جامعه محور را گذرانده توجه شود. در هر کدام از این نسل‌های دانشگاه، نوعی از سیاستگذاری قابل ارائه است.

۲. چهارچوب مفهومی و نظری

۱.۲ تعریف مفاهیم

۱.۱.۲ حکمرانی (Governance)

برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و مدیریت وضعیت یک کشور را می‌توان دغدغه و موضوع مشترک کلیه دولت‌ها و جوامع در ادوار مختلف تاریخ دانست. آنچه در این حوزه همواره اهمیت ویژه‌ای داشته، الگوی سازمان‌دهی و مدیریت عرصه‌های مختلف است. از این‌الگو امروزه با عنوان حکمرانی یاد می‌شود (قجری و نوربخش، ۱۴۰۰: ۴۰). هنگامی که از واژه حکمرانی برای بحث درباره حکومت و بخش عمومی استفاده می‌شود، منظور بنیان‌های نهادی اقتدار عمومی و تصمیم‌گیری و شیوهی اعمال حاکمیت از طریق قوانین، هنجارها و... است. در

این وضعیت، واژه حکمرانی، نهادها، نظامها، قواعد بازی و سایر عواملی را شامل می‌شود که مشخص می‌کنند چگونه تعاملات سیاسی و اقتصادی ساختارمند می‌شود، چگونه تصمیم‌ها گرفته می‌شود و چگونه منابع اختصاص می‌یابد (نیکونسبتی، ۱۳۹۰: ۱۳۶؛ ۱؛ Bevir, 2012). به‌طور کلی حکمرانی فرایندی است که به تصمیم‌گیری و به‌اجرا درآوردن تصمیمات، چگونگی کاربرد قدرت و روابط حکومت و مردم و مدیریت این رابطه مربوط می‌شود (ابوالحسنی، ۱۳۹۱: ۱۰؛ ۴؛ Kjaer, 2008).

۲.۱.۲ نهاد آموزش عالی

نهاد آموزش عالی، مرجعیت اصلی را در توسعه دانش، فرهنگ و اجتماع هر ملت در اختیار دارد. این نهاد کارکردهای مهمی دارد که آمیزه‌ای از نقش‌های علمی-آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و ... است (مهدیه و دیگران، ۱۳۹۵: ۴۶). آموزش عالی به نوعی از آموزش‌ها گفته می‌شود که برای بالابردن سطح مهارت‌های کاربردی افراد، تامین نیروی انسانی متخصص، توسعه میراث فرهنگی، خلق افکار تازه و ایجاد روحیه پژوهش ارائه می‌شود (شیربگی و عبداله‌زاده، ۱۳۹۹: ۱۸۰). این آموزش‌ها در مراکز آموزش عالی ارائه می‌گردند. این مراکز به دانش‌آموختگان خود، مدارک کاردانی به بالا می‌دهند (سلامی و دیگران، ۱۳۹۷: ۹۳). به‌طور کلی اهداف و کارکردهای عمده نظام آموزش عالی را می‌توان در این محورها دانست: ۱. پیش‌برد مرزهای دانش و تولید دانش، ۲. پرورش نیروی انسانی متخصص مورد نیاز توسعه‌ی کشور و کمک به حل مسائل جامعه، ۳. برآوردن تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی متناسب با ویژگی‌ها، انگیزه‌ها، انتظارات و تحصیلات افراد، پرورش توانایی‌های بالقوه شهروندان و تسهیل فرایند یادگیری مداوم، ۴. کمک به تحقق اهداف اجتماعی با فراهم‌آوردن برابری در فرصت‌های آموزش عالی (بذرافشان مقدم و دیگران، ۱۳۹۳: ۸۲) و ۵. اشاعه و تقویت خودآگاهی و هویت ملی و اندیشه‌های همبستگی‌ساز از طریق تولید دانش متناسب با ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و هویتی (نظری و باقری، ۱۳۹۰: ۴). البته اهدافی چون حل مسائل و چالش‌های کشور نیز مطالبه و توقعی است که از نهاد علم و سازمان آموزش عالی وجود دارد. همه اینها در کنار موضوعی است که به معنی تربیت شهروند متعهد به ساختار و سازمان جدید زندگی جمعی است. به این معنی که فلسفه شکل‌گیری دانشگاه در دوران مدرن، تربیت انسان جدید است که نام شهروند بر آن اطلاق می‌شود. شهروندی که در قالب نظام ملت - دولت تعریف می‌شود و تعلقاتش به این ساختار، بیشتر از تعلقات دیگرش مورد توجه است؛ چراکه این وضعیت، جدید

نقش نظام حکمرانی آموزش ... (عبدالرحمن حسنی فر و مجید عباسزاده مرزبالی) ۹

است و برای استمرار و تعمیق آن باید به نحو گسترده عمل کرد که رسالت نهاد علم و دانشگاه در ابتدا از جانب حوزه سیاست مدرن در این راستا تعریف شد.

۳.۱.۲ هویت ملی

هویت عبارت از مجموعه خصوصیات و مشخصات فردی و اجتماعی و احساسات و اندیشه‌های مربوط به آن‌ها است. فرد این خصوصیات را از طریق توانایی کنش متقابل با خود و یافتن تصوراتی از خود به دست می‌آورد و به سوال «من کیستم؟» پاسخ می‌دهد» (خدایی و مبارکی، ۱۳۸۷: ۱۲۱). در میان هویت‌های موجود در جامعه، هویت ملی عالی‌ترین و مهم‌ترین آن‌ها می‌باشد (woodward, 2000). منظور از هویت ملی در نزد اعضای جامعه، آگاهی و احساس تعلق خاطر، تعهد و وفاداری آنان نسبت به اجتماع ملی و مولفه‌های سازنده‌ی آن از قبیل سرزمین مشترک، تاریخ مشترک، دین مشترک، فرهنگ مشترک و ... می‌باشد. «هویت ملی در این معنا، به‌عنوان «آگاهی از تفاوت» و «احساس و شناسایی ما از آن‌ها» شناخته می‌شود» (احمدپور و سراجزاده، ۱۳۹۸: ۶). به‌طورکلی هویت ملی برای تمام ملت‌های جهان از اهمیت خاصی برخوردار است. این هویت هم عامل همبستگی و شکل‌گیری روح جمعی در یک ملت و هم وجه مشخصه و معرفه آن در میان ملل دیگر است و دوام و قوام زندگی آنان به هویت ملی بستگی دارد (صالحی امیری و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۱۲). هویت ملی، نحوه تبلور تاریخی یک جامعه است. نمودی جمعی است که نشانگر توانایی بالفعل آن و مجموع خواست‌ها و اهدافی که در طول تاریخ خود به دست آورده است.

۲.۲ نقش نهاد آموزش عالی در زمینه هویت ملی و الزام پیش‌روی نظام حکمرانی

عوامل مختلفی در تکوین و تقویت هویت ملی نقش می‌توانند نقش داشته باشند که نهاد آموزش عالی یکی از مهم‌ترین و تاثیرگذارترین آن‌ها است. ایجاد زمینه‌های وابستگی و تعلق به هویت ملی در اعضای جامعه از مهم‌ترین وظایف هر حکومتی است و یکی از ابزارهای مهم در این زمینه، نهاد آموزش عالی است. تقویت گرایش اعضای جامعه نسبت به هویت ملی نیازمند تنظیم و تدوین برنامه‌های آموزشی هدفمند و منسجم و انتقال صحیح ماهیت، مولفه‌ها و ضرورت آن به دانشجویان است. بدون برخورداری از نهاد آموزش عالی هدفمند و استوار در معرفی هویت ملی و مبانی آن، افراد جامعه دچار دو مشکل می‌شوند: یکی آسیب‌پذیری

در برابر نفوذ سایر هویت‌ها و دیگری تضعیف احساس تعلق به هویت ملی. کارکرد هویتی نهاد مذکور موجب می‌شود که دانشجویان متناسب با هنجارهای حاکم بر جامعه ملی، جامعه‌پذیر گردند و به آن جامعه و هویت ملی آن احساس تعلق آگاهانه پیدا کنند.

در یک سیر تاریخی و از منظر دولت - ملت‌سازی، آموزش عمومی در اواخر قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ در اروپای شمالی و ایالات متحده، نخست به‌وسیله گروه‌های اجتماعی مسلط به‌عنوان ابزار ایجاد اجتماعات ملی متحد، همبسته و برخوردار از هویت ملی منسجم و به‌منزله سازوکار دولت‌سازی، آموزش و وظایف دولت، ارتقای وفاداری و نظم اجتماعی بین توده‌ها، اشاعه ایدئولوژی و زبان ملی و آشناکردن مردم با رژیم‌های نوین بوروکراتیک ظهور یافت و سپس برای کسب مهارت‌ها و دانش مورد نیاز برای انقلاب دانش‌بنیان صنعتی دوم و اکتساب دیدگاه‌های مدنی که تحت‌تاثیر گسترش حق رای عمومی و توسعه حقوق دموکراتیک برای حفظ ثبات لازم بود مهم دانسته شد (کریمی، ۱۳۹۰: ۷۹). از فردای جنگ جهانی دوم تا به امروز نیز توجه به آموزش عالی به‌مثابه ابزار مهم حکمرانی در زمینه‌ی ملت‌سازی و هویت‌سازی، در نظام‌های سیاسی تداوم یافته است.

به‌طورکلی دانشگاه در کنار رسالت علمی که برعهده دارد، به‌مثابه نهادی اجتماعی مطرح است که از یک‌سو متأثر از جامعه است و از سوی دیگر بر جامعه، تاثیر می‌گذارد. بنابراین تجربه دانشگاه بر ساختار فکری، شخصیتی و هویتی دانشجویان تاثیر دارد. این امر ناشی از خرده‌فرهنگی است که در این نهاد جریان دارد. مهم‌ترین ویژگی این خرده‌فرهنگ برای دانشجویان (طیبی‌نیا، ۱۳۹۷: ۴۴)، تاثیرگذاری بر فرایند هویت‌یابی آنان است.

امروزه دانشگاه‌ها به یکی از مهم‌ترین کانون‌های خودآگاهی هویتی مبدل شده‌اند که دارای نقش‌های جدی و تاثیرگذار در حوزه‌های فرهنگی - اجتماعی هستند. دانش و بینشی که افراد در دانشگاه پیدا می‌کنند، عامل بسیار مهمی در شکل‌گیری خوی و منش اجتماعی و ملی و نهادینه‌شدن هویت ملی در آنان است (نظری و باقری، ۱۳۹۰: ۴؛ Enders, 2004).

در نتیجه‌ی کارکرد این نهاد،

به تدریج احساسات، علائق و وفاداری‌های خرد و فروملی، با احساسات، علائق و وفاداری کلان و مرتبط با واحد ملی پیوند می‌یابند و افراد ضمن آن‌که خود را فردی از اعضای خانواده، قبیله، قوم و وابسته به محلی خاص می‌شناسند، در عین حال به جامعه ملی و ملت نیز احساس تعلق کرده و در نتیجه از هویت ملی برخوردار می‌گردند. این مسئله می‌تواند در

نقش نظام حکمرانی آموزش ... (عبدالرحمن حسنی فر و مجید عباسزاده مرزبالی) ۱۱

تقویت و تحکیم همبستگی و هویت ملی در کشور نقش مهمی ایفا نماید (مقصودی، ۱۳۹۱ الف: ۵؛ مقصودی، ۱۳۹۱ ب: ۹).

آنچه به عنوان تاثیر آموزش عالی در دانش‌آموختگان مطرح می‌شود، تأثیر آن در ایجاد طبقه متوسط جدید و تمهید زمینه‌های جامعه‌پذیری است. این نهاد اجتماعی به دانشجویان فرصت جامعه‌پذیری مجدد را داده و در عین حال به آن‌ها چگونگی فعالیت اجتماعی را می‌آموزد. نهاد مذکور در فرایند جامعه‌پذیری به رفتارهای اجتماعی و سیاسی طبقه متوسط جدید شکل می‌دهد. بدین ترتیب هم‌راستا با تغییرات روحی-روانی و اجتماعی و نیز با ظهور این طبقه، هویت ملی نیز در جامعه تحکیم می‌یابد (نظری و باقری، ۱۳۹۰: ۱۰-۱۳). به عبارتی نهاد آموزش [عالی] وظیفه سازگار نمودن افراد با محیط اجتماعی و جامعه ملی را برعهده دارد و مجموعه‌ای از عقاید و احساسات مشترک را در میان افراد شکل می‌دهد که بدون آن‌ها هیچ جامعه‌ای پایدار نخواهد ماند. در واقع این نهاد، کارکرد همبسته‌سازی افراد جامعه را برعهده دارد. با توجه به این کارکرد، [دانشجویان بعد از ورود به دانشگاه] براساس معیارهای واحدی آموزش می‌بینند و پس از خروج به ارزش‌های مشترکی مقید شده و به آینده و آرمان مشترکی می‌اندیشند. تحقق چنین امری در روند جامعه‌پذیری افراد، به تقویت احساس هویت ملی در نزد آنان منجر می‌شود (قاسمی، ۱۳۹۰).

با تمام این‌ها، در عصر حاضر که به عصر جهانی‌شدن معروف است، نهاد آموزش عالی در جوامع مختلف در مسیر تندباد تغییر و تحولات این عصر که ناشی از پیشرفت فناوری است، قرار گرفته‌اند و بسیاری از کارکردهای آن‌ها از جمله در زمینه‌ی هویت ملی دچار تحول و دگرگونی شده است (See: Henkel, 2005). از این رو این نهاد آموزشی برای محقق‌ساختن اهداف خویش در زمینه‌ی هویت ملی و کمک به تقویت آن، ناچار است خود را با تغییر و تحولات عصر حاضر هماهنگ نماید. در این شرایط آنچه برای نهاد مذکور به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه حائز اهمیت است، اتخاذ رویکرد و رویه‌ای متفاوت نسبت به گذشته از سوی نظام حکمرانی است. تحولات پرشتاب و گسترده‌ی امروز ایجاب می‌کند که نهاد آموزش عالی الگوهای فکری و عملی جدید و همه‌جانبه‌تری را در زمینه‌ی هویت ملی بیاموزد و آن‌ها را به درستی به کار گیرد. در عصر تاثیرپذیری هویت ملی دانشجویان از پدیده جهانی‌شدن، وجود یک رویکرد هویتی منطقی و جامع از سوی نظام حکمرانی در عرصه آموزش عالی امری ضروری می‌باشد.

نظام دانشگاهی به‌عنوان یک سیستم اجتماعی پیچیده در محیط خود فعالیت می‌کند. لذا از یک سو از جهات مختلف علمی، آموزشی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و ... بر محیط خود و تحولات آن تاثیر می‌گذارد و از سوی دیگر خود از محیط و تحولات آن تاثیر می‌پذیرد (See: Lewellen, 2010). طبیعتاً مطلوب است که این تاثیر و تاثر تا آن‌جا که ممکن است به‌گونه‌ای از سوی سیاستگذاران بسترسازی و هدایت شود که بیشترین بهره را در تقویت هویت ملی به ارمغان آورد. در این راستا نظام آموزش عالی باید از سوی نظام حکمرانی به‌عنوان مرکزی راهبردی در نظر گرفته شود که تقویت این هویت به کیفیت تولیدات آن وابسته است. بنابراین به‌دلیل تاثیر فرایند جهانی شدن بر کارکرد و نقش هویتی این نهاد آموزشی، نظام حکمرانی در جوامع مختلف به‌ویژه جوامع در حال توسعه، نیازمند بازنگری در رسالت این نهاد در زمینه هویت ملی می‌باشد. برای حل مسائل ناشی از تحولات هویتی، نظام حکمرانی می‌بایست نهاد دانشگاه را به مکانی برای تولید و انتقال هرچه‌به‌تر دانش در زمینه میراث فرهنگی - هویتی جامعه ملی تبدیل کند تا این سیستم آموزشی از ظرفیت‌های مطلوبی جهت تقویت گرایش دانشجویان به هویت ملی خویش برخوردار شود.

۳. ماهیت هویت ملی در ایران

در خصوص ماهیت و شکل‌گیری هویت ملی در ایران دو دیدگاه کلی وجود دارد: عده‌ای معتقدند که هویت ملی در ایران، پدیده‌ای متأخر و متأثر از ظهور دولت‌های ملی در اروپای قرون هجدهم و نوزدهم است و دسته‌ای دیگر بر این باورند که به‌دلیل قدمت تاریخی گسترده کشور ایران، می‌توان نشانه‌هایی از وجود هویت ملی را از دوره ایران باستان جستجو کرد؛ دیدگاه اخیر معتقد است که مفهوم ملت به‌عنوان شالوده شکل‌گیری هویت ملی، قرن‌ها قبل از دولت‌های ملی قرن نوزدهم در کشور ایران وجود داشته است (قاسمی و ابراهیم‌آبادی، ۱۳۹۰: ۱۱۶). از این میان، مقاله‌ی حاضر با دیدگاه دوم هم‌عقیده بوده و هویت ملی در ایران را هویتی کهن و تاریخی می‌داند. براین اساس می‌توان گفت،

در میان ساکنان ایران از دوره باستان نوعی هویت ملی نزدیک به مفهوم مدرن آن یا آگاهی تاریخی، فرهنگی و سرزمینی از ایران وجود داشته و بعد از آن دوره به دوره اسلامی انتقال یافته و با درهم آمیختن با باورها و ارزش‌های اسلامی به تدریج به دوره مدرن منتقل شده است (اشرف، ۱۳۹۵: ۲۲۳؛ رمضان‌زاده و بهمنی قاجار، ۱۳۸۷).

برخی معتقدند هویت ملی ایران، سه‌لایه‌ای یا سه‌رکنی است. این دیدگاه برگرفته از سیر و فرایند تاریخ ایران است: رکن اول مربوط به ایران باستان است؛ در این دوره، بن‌مایه هویت ایرانی با مشخص شدن فرهنگ و آداب و رسوم مشخص و تمایز و قرارگرفتن ایران در برابر سایر کشورها و اقوام با آیین زرتشت، اندیشه حکمران عادل تشخیص یافت. رکن دوم مربوط به اسلام می‌باشد که به‌مدت چهارده قرن به هویت ملی ایرانیان و نوع نگرش آن‌ها به جهان و رفتار و ساختار اجتماعی و سیاسی آن‌ها جهت داد. رکن سوم نیز تجدد یا «مدرنیته» می‌باشد که از اوایل دوره قاجار و در نتیجه‌ی آشنایی ایرانیان با آن، بر اندیشه‌های سنتی تعلق به ایران و هویت ایرانی تاثیر گذاشته و جلوه تازه‌ای به این هویت بخشید (ر.ک: بشیریه، ۱۳۸۳؛ رجایی، ۱۳۸۶؛ نقیب‌زاده، ۱۳۸۱).

این مقاله بر این نظر دارد که تا زمان دوران جدید و مواجهه با مدرنیته دو لایه ایران و اسلام، شکل دهنده به هویت ایرانی بودند. بین آنها (ایرانیت و اسلامیت) هم در طول تاریخ، ارتباط عمیقی برقرار بوده و ایرانیان آن‌ها را با یکدیگر ترکیب نمودند. در واقع وجود عناصر فرهنگی مشترک بین جامعه ایرانی و اسلامی موجب ایجاد سازگاری بین این دو رکن و تحول در هویت مذکور شد. تعامل تاریخی و فرهنگی بین ایرانیت و اسلامیت باعث گسترش یافتن و نفوذ مبانی ارزشی، فرهنگی و اجتماعی اسلام در ساختار جامعه و هویت ایرانی شده بود. اما با ظهور مدرنیته به نوعی چالش بین سنت و تجدد شکل گرفت. در یک طرف سنت تاریخی ایرانی بود و در طرف دیگر تجدد. در رابطه با مدرنیته و نفوذ و نقش آن در هویت ملی ایران و نگرش‌های هویتی ایرانیان در طی تاریخ معاصر اساسی بحث‌ها و نظراتی مطرح شده است. اما تا چه حد به استقرار رسیده باشد قابل بررسی است. با مراجعه به تحولات سیاسی - اجتماعی ایران در این دوره می‌توان تاثیر مولفه‌های مدرن را بر هویت ملی ایران مشاهده کرد. اما دعوای سنت (تاریخ و دین تاریخی ایرانیان) و مدرنیته هنوز در این جامعه وجود دارد و نوعی رفتار طرفداری برای مدعیان هر کدام یا حتی استفاده از مولفه‌هایی ترکیبی برگرفته از هر منبع قابل مشاهده است. بنا به دلایل و شواهد تاریخی، اجتماعی و فرهنگی می‌توان گفت که بین ارکان ایرانی و اسلامی هویت ملی ایران با رکن مدرن این هویت در برخی جنبه‌ها نوعی وام‌گیری و تداخل وجود داشته، که این مسئله خود ناشی از اقتضانات جامعه متنوع ایران است. در مجموع می‌توان گفت که این سه منبع با غلظت‌های متفاوت، نقش مهمی در تعریف ایرانیان از چه کسی بودن خود داشته و دارند.

۴. نظام حکمرانی جمهوری اسلامی و رویکرد (سیاست) هویتی آن در عرصه آموزش عالی

پس از وقوع انقلاب اسلامی، دولت جمهوری اسلامی در ایران تأسیس شد و نظام سیاسی ای مبتنی بر مبانی اسلام و مذهب شیعه شکل گرفت و بر عرصه‌های مختلف جامعه ایران تأثیر گذاشت. «این حکومت با درهم آمیختن مفهوم ولایت فقیه در رأس آن، چهره تازه‌ای از مفهوم حکومت و حکمرانی را در سرزمین ایران به نمایش درآورده است» (مجتهدزاده، ۱۳۸۷: ۱۹۵). یکی از راه‌های مناسب و دقیق به منظور بررسی الگوی حکمرانی در هر کشور، مراجعه و تمرکز بر اسناد بالادستی و معیار آن است. در ایران پس از انقلاب اسلامی دو قسم از این اسناد به‌عنوان اصلی‌ترین منابع و مراجع برای شکل‌دهی به الگو و چارچوب حکمرانی به‌شمار می‌آیند: ۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ۲. سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴. این اسناد نشان‌دهنده‌ی ماهیت حکمرانی در دوره جمهوری اسلامی بوده و مبنای تصمیم‌گیری‌های اصلی و کلان کشور در قوای سه‌گانه و سایر قانون‌گذاری‌های خرد و موضوعی قرار دارند (قجری و نوربخش، ۱۴۰۰: ۴۹).

بررسی ۱۷۷ اصل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بیان‌گر مضامین اسلامی متعددی است که می‌توان گفت روح حاکم بر همه آن اصول را تشکیل می‌دهد. به‌طور کلی مضامین اصلی شامل «حاکمیت خدا»، «وحی‌گرایی»، «شریعت‌گرایی»، «امامت و ولایت» و «اخلاق اسلامی» را می‌توان به‌عنوان بسترها و چارچوب‌های اصلی جهت تشریح قوانین و اصول در حوزه‌های مختلف برشمرد. مضامین فوق، در کلیه اصول قانون مذکور به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم تصریح شده است، به‌طوری‌که هیچ حیطه و قلمرویی را نمی‌توان خارج از آن‌ها تعریف کرد. این امر، نشان‌گر تنظیم کامل قوانین و بنیادهای حکمرانی در نظام جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر مضامین اسلامی است. در سند چشم‌انداز بیست‌ساله که مسیر تکامل توسعه در دو دهه آینده کشور را ترسیم کرده بود نیز شاهد مضامین اسلامی می‌باشیم، به‌طوری‌که می‌توان گفت این سند بر موازین و اصول اسلامی تکیه دارد. اهمیت موضوع بیش‌ازهمه به‌این خاطر است که چارچوب طراحی چهار برنامه مهم توسعه از ابتدای دهه هشتاد شمسی تا ابتدای قرن پانزدهم شمسی می‌بایست مبتنی بر این سند معیار باشد. سه مضمون اصلی «هویت اسلامی»، «شریعت اسلامی» و «حاکمیت اسلام» محوریت ویژه‌ای در سند مذکور داشته و ماهیت حکمرانی مبتنی بر اسلام را بدین‌صورت شکل می‌دهد (قجری و نوربخش، ۱۴۰۰: ۵۳-۵۵؛ عظیمی شوشتری، ۱۳۹۸).

به‌طورکلی از فردای انقلاب اسلامی و با استقرار دولت جمهوری اسلامی فصل جدیدی از مناسبات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی-هویتی و ... در ایران آغاز شد. گفتمان انقلاب اسلامی بیش و پیش از هرچیز نیاز به ارائه یک تعریف از هویت داشت و این امر مستلزم ایجاد فضایی برای روایت هویت برآمده از دل این گفتمان بود. در این دوره، شاهد استقرار نظم هویتی جدیدی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و شیعی هستیم. ارزش‌های مذکور بنیان گفتمان هویتی است که در واکنش به فرایند تضعیف بُعد اسلامی هویت ملی در عصر پهلوی پدیدار گشته و هدفش آن بود تا مبانی همبستگی ملی در کشور را با ارائه تعریفی اسلامی-شیعی از هویت ملی ایران بنا نماید. دولت جمهوری اسلامی از ابتدای تاسیس با تقویت و بازگشت به بُعد اسلامی هویت ملی، در پی ایجاد تحول در ساختار این هویت برآمد و در متن و بطن گفتمان خود، نظام شاهنشاهی و مدرنیته را دگر هویتی خود تعریف نمود (بشیریه، ۱۳۸۳ الف: ۸۰۱؛ تاجیک، ۱۳۸۴: ۱۸۷ و ۱۸۸؛ سیدامامی، ۱۳۹۱: ۱۸۸). این نظام سیاسی قصد داشته و دارد تا عناصر غربی و در بسیاری از موارد عناصر و نشانه‌های مربوط به ایران باستان از نظام ارزشی و فرهنگی جامعه زدوده شده و نظام ارزشی و فرهنگی ملهم از ارزش‌های اسلامی و شیعی جایگزین آن گردد. یکی از عرصه‌های مهمی که از این سیاست انقلابی نظام جمهوری اسلامی تاثیر پذیرفت، آموزش عالی است.

بعد از انقلاب اسلامی، تغییرات عمده‌ای از سوی نظام حکمرانی در عرصه آموزش عالی ایجاد شد و به تناسب میزان وابستگی رشته‌های دانشگاهی به محافل آموزشی غرب، این رشته‌ها با مخالفت شدیدی از سوی نیروهای انقلابی مواجه شدند که در این میان، میزان مخالفت با علوم انسانی بیشتر از بقیه بود. این نیروها بر ماهیت غربی و سکولاریستی رشته‌های دانشگاهی عصر پهلوی و ضرورت تغییر در محتوا و سنخ آموزش و نیز اسلامی کردن آن‌ها تاکید می‌کردند (ازغندی، ۱۳۸۲: ۹۰-۹۱). شرایط به‌وجودآمده پس از انقلاب اسلامی، مسئولان نظام جمهوری اسلامی را به فکر پاکسازی دانشگاه‌ها از نیروهای مخالف و غیراسلامی انداخت. به‌همین منظور سازمانی تحت عنوان «ستاد انقلاب فرهنگی» تأسیس شد که هدف اصلی آن ایجاد تحول و دگرگونی بنیادین در ساختار آموزش عالی بود. انقلابیون بر این باور بودند که ساختار دانشگاه‌های کشور و رشته‌های دانشگاهی می‌بایست با تکیه بر منابع اسلامی در معرض ارزیابی مجدد قرار گرفته و از عناصر فرهنگی غربی و ایدئولوژی شاهنشاهی پاک شود.

نکته‌ی مهم این است که علی‌رغم اقدامات صورت گرفته از سوی دولت جمهوری اسلامی در عرصه‌ی آموزش عالی با هدف ترویج بُعد اسلامی هویت ملی ایران و شکل‌دهی به

نگرش‌های هویتی جوانان ایرانی، امروزه گرایش بسیاری از آنان نسبت به هویت ملی خود و ارزش‌های اسلامی، افزایش نیافته است؛ این مسئله، ایجاد تغییر در رویکرد (سیاست) هویتی و شیوه مدیریتی دولت جمهوری اسلامی در عرصه آموزش عالی را ضروری ساخته است. در اینجا استدلال این است که به دلیل ماهیت درحال تحول نهاد آموزش عالی ایران و بروز تحولاتی در نگرش‌های هویتی دانشجویان که ناشی از تأثیرپذیری از فرایند جهانی شدن است، پیچیدگی این نهاد آموزشی افزایش یافته و این وضعیت، اتخاذ رویکرد هویتی و شیوه مدیریتی متفاوت نسبت به گذشته و متناسب با شرایط جدید را در عرصه آموزش عالی ضروری ساخته است. در ادامه‌ی مقاله، به این موضوع پرداخته خواهد شد.

۵. جهانی شدن (فضای مجازی) و بروز تحولات هویتی در جامعه دانشگاهی ایران

«جهانی شدن» فرایندی است که از نیمه قرن بیستم به بعد، دنیا را به لحاظ اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی دچار تغییر و تحول ساخته، به طوری که در نتیجه‌ی شکل‌گیری و گسترش آن، مناطق، کشورها و افراد مختلف وابستگی بیشتری به یکدیگر پیدا کرده‌اند و هرگونه تغییر و تحولی در گوشه‌ای از جهان، مناطق، کشورها و افراد دیگر را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد (ر.ک: گیدنز، ۱۳۷۷؛ واترز، ۱۳۷۹). این فرایند از طریق ابزارهای مختلفی توانسته است بر عرصه‌های مختلف جوامع از جمله هویت ملی تأثیر بگذارد، که فضای مجازی از مهم‌ترین آن‌ها به‌شمار می‌رود. این تأثیرگذاری به‌گونه‌ای است که در نتیجه‌ی این فرایند، مرزهای نفوذناپذیر بین مقولات و گروه‌های هویتی، به شدت آسیب‌پذیر و شکننده گشته‌اند و فضای انحصاری هویت‌سازی که در اختیار حکومت‌ها بود از بین رفت. در چنین شرایطی افراد جامعه در جریان شکل‌دادن به هویت‌شان با ارزش‌های متنوعی روبه‌رو گشته‌اند، به طوری که منابع جدید و فراملی را جذاب‌تر از منابع سنتی جامعه‌ی خویش می‌یابند و از این رو در تصویر هویتی خویش دچار تردید می‌شوند. این مسئله به‌طور کلی بسیاری از جوامع را با مشکل بحران هویت ملی مواجه ساخته است.

نکته اساسی از منظر مقاله‌ی حاضر به عنوان مفروض این است که فرایند جهانی شدن و فضای مجازی بر هویت ملی در ایران تأثیر گذاشته‌اند، به طوری که می‌توان گفت جامعه و هویت ملی ایران درحال تجربه‌کردن نوعی «گذار» است که دارای ویژگی‌های خاص خود بوده و پیامدهای متعددی به دنبال داشته و دارد. در نتیجه‌ی این وضعیت، بسیاری از اعضای جامعه

ایران در معرض پرسش‌های اساسی در زمینه هویت ملی خود قرار گرفته‌اند و نگرش‌های آنان نسبت به مبانی هویت ملی ایران دچار چالش گشته است. رشد و گسترش جهانی شدن در ایران موجب از بین رفتن بسیاری از محدودیت‌های زمانی و مکانی و تغییر شدید شیوه‌های زندگی و پیدایش سبک‌های زندگی جدید، تکثر نمادها، تغییر ذائقه‌ها، و رشد توقعات و انتظارات شده است. فرایند مذکور برای ایرانیان فرصت تجربه واقعیت‌های دوردست یا غیرقابل دسترس را به ارمان آورده که همین موضوع، جهت‌گیری‌های متفاوتی را نسبت به هویت ملی‌شان در مقایسه با گذشته موجب شده است، به طوری که می‌توان گفت دبستگی بسیاری از آنان نسبت به مبانی قدیمی تر هویت ملی یعنی ایرانیت و اسلامیت مورد چالش قرار گرفته است. نکته‌ی مهم در اینجا این است که در حال حاضر درصد قابل توجهی از کاربران فضای مجازی در ایران، قشر جوان هستند که از این میان، بخش قابل توجهی از آنان را دانشجویان تشکیل می‌دهند. به طور کلی تعداد کاربران حرفه‌ای و نیمه حرفه‌ای فضای مجازی در بین دانشجویان به اقتضای موقعیت آن‌ها و دسترسی بیشتر به امکانات مربوط در محیط‌های دانشگاهی، به مراتب بیش تر از گروه‌های دیگر است. از آنجا که دانشجویان در مقایسه با دیگر گروه‌ها روابط اجتماعی گسترده‌تری دارند و همچنین با مظاهر و وسایل تجدد و نوسازی، فرایند جهانی شدن و اندیشه‌ها و هویت‌های جدید آشنایی و برخورد بیشتری می‌یابند، بیش از دیگر اقشار جامعه در معرض تغییرات هویتی قرار می‌گیرند (رک: بابایی فرد، ۱۳۹۲؛ دانایی و بابایی ساروئی، ۱۳۹۶؛ ساعی و دیگران، ۱۳۹۴؛ صالحی امیری و دیگران، ۱۳۹۳؛ مسعودنیا و دیگران، ۱۳۹۵؛ میرمحمدی، ۱۳۹۴؛ عدلی‌پور و دیگران، ۱۳۹۲؛ کریمیان و احمدوند، ۱۳۹۱؛ کیان و قلی‌پور، ۱۳۹۵).

در مجموع می‌توان گفت که تحولات جدید در نظام آموزش عالی کشور، کارکرد و معنای ارزش‌ها و هویت اجتماعات دانشگاهی را تغییر داده و هویت متناسب با خود را شکل داده است. در نتیجه‌ی بروز تغییرات در عرصه دانشگاه، درحالی که منابع سنتی و درونی هویت‌یابی همچون نهادهای رسمی آموزشی، محیط آموزشی و ... توان خود را برای شناساندن دانشجویان به خودشان و تعریف آن‌ها در نظام اجتماعی از دست داده‌اند، منابع جدیدی سر برآورده‌اند که ظرفیت چشمگیری برای هویت‌سازی دارند. این مجاری جدید که می‌توان آن‌ها را منابع بیرونی هویت نامید، از خارج از دانشگاه الگوهای جدیدی را پیش روی آن قرار داده و به دلیل ماهیت کثرت‌گرایانه و انعطاف‌پذیر خود، منابع سنتی را به چالش کشیده است. در نتیجه، نظام فرهنگی همگون و متجانس پیشین و فرایند هویت‌یابی متأثر از آن را متحول کرده است. اگر دانشجوی

ایرانی در گذشته بیشتر در محیط دانشگاه هویت خود را شکل می‌داد، امروزه این فرایند به خارج از مرزهای دانشگاه کشیده شده و عضویت دانشجو در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی مجازی، محیط گسترده‌تر، امکانات بیشتر و منابع متعدد بیشتری را در اختیار او قرار داده است. به دلیل این تعدد و تنوع است که هویت‌های متعدد شکل می‌گیرد. البته این موضوع به معنای حذف منابع سنتی نیست، بلکه به معنای نقش و تأثیر پررنگ‌تر الگوهای هویت‌یابی جدید نسبت به الگوی رسمی و سنتی هویت‌یابی در نظام دانشگاهی ایران می‌باشد (ر.ک: همتی و اصلانی، ۱۳۹۴).

بسیاری از دانشجویان امروز ایران، در نتیجه بهره‌گیری از فضای مجازی در مقایسه با دانشجویان نسل‌های گذشته حامل جهت‌گیری‌های متفاوتی نسبت به هویت ملی ایران گشته‌اند، به طوری که دل‌بستگی‌شان نسبت به هویت مذکور و ارکان قدیمی آن به اندازه دل‌بستگی نسل‌های قبلی نمی‌باشد. این دانشجویان جدید،

در نتیجه استفاده از فضای مجازی به تعریف جدیدی از هویت دست یافته‌اند. آنان به [هنجارها و ارزش‌های مدرن و نوظهور] تمایل پیدا کرده‌اند که با بسیاری از هنجارها و ارزش‌های جاافتاده‌تر و رسمی جامعه ایران فاصله دارد. این گروه، وجوه تمایز خود را در کنش، ذائقه و سبک زندگی متفاوت خود متجلی می‌سازند و به نحوی تعلقات فرهنگی خاصی برای خویش قائل‌اند. در بین آن‌ها نوعی همسانی در الگوهای رفتاری دیده می‌شود (عدلی‌پور و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۲۴)

که در گرایش‌شان به هویت و ارزش‌های فراملی نمایان است.

بنابراین میان استفاده از فضای مجازی و شکل‌گیری و تقویت ابعاد هویت دانشجویان ایرانی رابطه وجود دارد؛ زیرا بسیاری از فعالیت‌های روزمره آنان در متن این فضا دنبال می‌شود. این فعالیت‌ها به صورت مصارف متعددی است که دانشجویان از رسانه‌های مجازی دارند. در حقیقت، چگونگی استفاده از این رسانه‌ها در تجربه آموزشی و دانشگاهی، تجربه استفاده از آن‌ها در گذران اوقات فراغت و برای آگاهی از مسائل فرهنگی، اجتماعی و ... از جمله مواردی‌اند که به نحوه حضور رسانه‌های فضای مجازی در زندگی روزمره دانشجویی مربوط می‌شود (بابایی فرد و شرقی، ۱۳۹۳: ۳۰). دانشجویان ایرانی از رسانه‌های مجازی به انحاء مختلف از قبیل سرگرمی و تفریح و پرکردن اوقات فراغت، دستیابی به منابع اطلاعات و یافته‌های علمی و پژوهشی مورد نیاز یا نشر آثار علمی خود، برای کسب خبر از مسائل و روی دادهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و نهایتاً برای برقراری ارتباط دوستانه و بین‌شخصی و

یا در شکل گسترده‌تر، شرکت در گروه‌های خبری و نیز گروه‌های بحث الکترونیک استفاده می‌کنند. قرارگرفتن این گروه در برابر رسانه‌های مجازی با سیل عظیمی از اطلاعات و برنامه‌های متنوع از سراسر جهان باعث می‌شود آنان با هویت‌های جدیدی روبه‌رو شوند که با هویت خودشان متفاوت است یا این‌که تنها بر یکی از ابعاد هویت ملی ایران یعنی بُعد مدرن تاکید دارد. لذا در نتیجه‌ی این امر می‌توان شاهد تغییرات هویتی نظیر رویه، رفتار، طرز تفکر و منش زندگی دانشجویان بود (مسعودنیا و دیگران، ۱۳۹۵).

نکته‌ی مهم دیگر این است که بسیاری از دانشجویان قومی ایران نیز با بهره‌گیری از امکانات فضای مجازی درصدد تقویت هویت قومی‌شان برآمده‌اند. در جامعه ایران به‌دلیل بافت چندفرهنگی و متنوع آن، تنوع و تکثر فرهنگی در مراکز دانشگاهی به‌خوبی تجلی یافته است. در چنین فضایی با دانشجویانی مواجهیم که علاوه بر اشتراکات فرهنگی، هر یک از ویژگی‌های زبانی، محلی و فرهنگی خاص خود نیز برخوردارند و در وهله‌ی اول در اجتماعات محلی و قومی و خرده‌فرهنگ‌های مختلف، جامعه‌پذیر می‌شوند و با ورود به دانشگاه و استفاده از فضای مجازی در فرایند جامعه‌پذیری ثانویه قرار می‌گیرند. با ورود افرادی از اقوام مختلف ایرانی به دانشگاه و مهیاشدن بسترها و موقعیت‌های تجربه حضور در فضای مجازی، با در دسترس قراردادن دیگری‌های متنوع و متعدد دور و نزدیک و فراهم کردن امکان تعامل مجازی و واقعی با آن‌ها، برای دانشجویان قومی امکان شناخت بهتر خود و دیگران و ارتباط با دیگران مشابه فراهم می‌شود. تأثیرپذیری بخش قابل توجهی از جامعه دانشجویی قومی کشور از فضای مجازی، زمینه‌ساز تقویت هویت قومی این طیف شد تا جایی که در مواردی توانسته هویت ملی آنان را نیز تضعیف نماید. این گروه از دانشجویان توانستند از طریق فضای مجازی، هم‌نوعان و هواداران خود را در اقصی نقاط جهان پیدا کرده و ذیل هویت قومی‌شان متشکل شوند و ارزش‌های هویتی قومی خود را به ضرر هویت ملی‌شان در حد وسیعی انتشار دهند. در حال حاضر بخش قابل توجهی از فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دانشجویان قومی کشور، حول فعالیت در سایت‌ها، وبلاگ‌ها و نشریات دانشجویی‌ای که در فضای مجازی نمایه می‌شوند تمرکز یافته است. آهنگ، محتوا و مضامین این محافل دانشجویی در لایه‌های آشکار و پنهان خود تاحدودی توانسته است جهت‌گیری‌های شناختی، عاطفی و کنشی و سطوح تعلقات جمعی دانشجویان قومی را تحت‌الشعاع قرار داده و آن را بازنمایی کند. به‌طور کلی از میان مطالبی که در نشریات دانشجویی قومی فعال در فضای مجازی (نظیر: هاوارد، وطن‌یولی، ایرنجی باخیشی، ایشیق، ایرنجی، دان‌الدوز و ...) به موضوع هویت ملی و قومی پرداخته شده

است، مضامین و مطالب مرتبط با نشانگان هویت قومی بیشتر از نشانگان مربوط به هویت ملی بازنمایی شده است، به طوری که نشانگان هویت قومی بیشتر از نشانگان هویت ملی در آنها انعکاس یافته است (ر.ک: بروجردی علوی و صدیق یزدچی، ۱۳۹۶؛ حسنی فر و عباسزاده مرزبالی، ۱۴۰۰؛ طالبی و عیوضی، ۱۳۹۲؛ قادرزاده و احمدپور، ۱۳۹۰).

به باور این مقاله، وضعیت فوق، اتخاذ سیاست هویتی مناسب و شیوه مدیریتی کارآمد از سوی نظام حکمرانی جمهوری اسلامی را در عرصه آموزش عالی به منظور تقویت گرایش دانشجویان به هویت ملی ضروری ساخته است. در ادامه، راهکارهایی به این منظور ارائه می‌شود.

۶. راهکارهای پیش‌روی نظام حکمرانی جمهوری اسلامی ایران در عرصه آموزش عالی جهت تقویت گرایش دانشجویان به هویت ملی

یکی از راه‌های تقویت هویت ملی در ایران، سیاست‌گذاری مناسب در عرصه آموزش عالی و تربیت صحیح دانشجویان از مجرای توجه به نسل‌های چهارگانه دانشگاه است. با توجه به این که نگرش هویتی بخش قابل توجهی از جامعه دانشجویی ایران از فرایند جهانی‌شدن و فضای مجازی تأثیر می‌پذیرد، بنابراین لازم است در رویکرد و شیوه مدیریت و اداره‌ی نظام دانشگاهی کشور تغییراتی صورت گیرد تا بدین وسیله احساس تعلق به هویت ملی در این قشر که ضعیف شده، تقویت شود و در نهایت به ابعاد هویت ملی کشور آسیبی وارد نشود. جمهوری اسلامی ایران با از بین بردن نقاط ضعف، تکیه بر ذخایر دانشی و انسانی و سیاست‌گذاری آموزشی و هویتی مناسب و کارآمد در حوزه آموزش عالی می‌تواند به تقویت گرایش دانشجویان به هویت ملی و جلوگیری از بروز بحران هویت ملی در نزد آنان کمک نماید. اتخاذ سیاست‌های مناسب در این عرصه می‌تواند اعتماد به نفس لازم را برای مقابله با چالش‌های هویتی فزونی بخشیده و بدین وسیله توان و ظرفیت نظام حکمرانی را برای صیانت از هویت ملی کشور ایران افزایش دهد. در همین ارتباط، برخی از مهم‌ترین اقداماتی که می‌توان در عرصه آموزش عالی از سوی نظام جمهوری اسلامی انجام گیرد به شرح ذیل می‌باشد:

۱.۶ برنامه‌ریزی جهت شناخت بهتر دانشجویان از هویت ملی ایران (شناختی فراتر از بحث میراث)

باید اذعان کرد که نسل جوان امروز، شناخت مناسبی از فرهنگ و تاریخ ایران که از طریق متون کهن، افراد برجسته تاریخی و بزرگان علم و فرهنگ و هنر قابل دریافت است ندارند. فرهنگ و تاریخ این سرزمین هم مبنای مهمی برای هویت ملی است. آنچه در ارتباط با تاریخ و فرهنگ این سرزمین برجسته است تبلور میراثی دارد؛ میراثی که نسبت به کم و کیف آن اطلاعات مناسب و کاربردی وجود ندارد. لذا بر نهاد آموزش عالی است که در جهت شناسایی میراث ایرانی و بالفعل کردن آن برنامه‌ریزی مناسبی داشته باشد. ملاحظاتی که در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی این نهاد مورد توجه قرار می‌گیرد، بیش از هر چیز باید بر بازشناسی صحیح هویت ملی ایران و عناصر آن باشد (ر.ک: کریمیان و احمدوند، ۱۳۹۱). باید توجه ویژه‌ای به درس عمومی و کتب تاریخی در سطوح مختلف به‌منظور آشنایی دانشجویان با سیر تکوین و تحول هویت ملی ایران در طول تاریخ صورت گیرد. محتوای درس عمومی آموزش عالی ایران نشان می‌دهد که آموزش مهارت‌ها و دانش‌های برقراری روابط بین فردی و گروهی، شیوه‌های ایجاد شبکه‌های پایدار و آگاهی نسبت به ارکان هویت ملی ایران که سهم به‌سزایی در خلق سرمایه اجتماعی خواهند داشت، در این متون مفقود است. بنابراین لازم است در کتب عمومی و تاریخی، ارکان و مبانی هویت ملی ایران در کنار هم و با هم تشریح و تبیین شود (سیف‌اللهی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۳۶). در واقع در شرایط کنونی و با توجه به تحولات هویتی در نظام دانشگاهی ایران، اتخاذ رویکرد فراگیر نسبت به هویت ملی ایران از سوی نظام حکمرانی در عرصه آموزش عالی، امری ضروری بوده و لازم است جایگاه هر یک از ارکان ایرانیّت، اسلامیت و مدرنیّت در هویت مذکور به‌طور منطقی مشخص گردد و این از طریق دیالکتیک (تز و آنتی‌تز و سنتز) و بحث و گفت‌وگوی علمی حاصل می‌شود. شایان ذکر است دیدگاه‌های گزینشی نسبت به هویت ملی ایران، به‌دلیل این‌که نسبت به بسترها و فرایندهای تاریخی شکل‌گیری این هویت بی‌توجه است، نمی‌تواند راه‌حل مناسبی برای تقویت هویت ملی داشته باشد و در نهایت موجب سردرگمی و بحران هویت ملی در نزد دانشجویان خواهد شد. تغییر در سرفصل‌ها و معرفی منابع مناسب و پرورش اساتید باسواد در کنار برنامه‌های جنبی چون، تقویت انجمن‌ها و مجلات و نشریات علمی دانشجویی با موضوع هویت ملی، برگزاری تورهای ایران‌گردی، برگزاری سمینارهای علمی و ایجاد زمینه تبادل با هویت‌های دیگر با موضوع هویت ملی می‌تواند به فهم تاریخ و فرهنگ ملی جامعه کمک کند.

۲.۶ جلوگیری از فرایند بومی‌شدن دانشگاه‌ها

سیاست بومی‌گزینی به معنای استقرار غیرطبیعی نیروهای انسانی در منطقه خود یا دربندکردن مردم در زادگاه خویش است (خندق و کوثری، ۱۳۹۰: ۸۱). منتقدان بومی‌گزینی معتقدند این طرح، پیامدهایی چون: نابرابری آموزشی و ناتوانی در تامین امکانات رفاهی برای دانشجویان، ریشه پدیده مهاجرت به شهرهای بزرگ، جدایی و انفکاک فرهنگ‌های مختلف از یکدیگر، کاهش تعاملات فرهنگی و اجتماعی ایرانیان، تضعیف روحیه همبستگی ملی و ... را به دنبال دارد [و در بلندمدت موجب تضعیف احساس تعلق به هویت ملی می‌شود]. پذیرش دانشجویان در دانشگاه‌ها به شیوه بومی‌گزینی و ممانعت از حضور دانشجویان از سایر مناطق و خرده‌فرهنگ‌ها در کنار یکدیگر، با ایجاد همبستگی ملی و تقویت هویت ملی مغایرت داشته و موجب تقویت قوم‌گرایی در مناطق مختلف ایران خواهد شد (بذرافشان مقدم و دیگران، ۱۳۹۳: ۸۸). سیاست بومی‌گزینی موجب انسجام فرهنگ و رسوم بومی (به معنای ایزوله‌شدن) و دورافتادگی آن از دیگر مناطق شده و به تدریج باعث تضعیف بنیادهای فرهنگ ملی خواهد شد. این سیاست همچنین باعث تقویت زمینه‌های همگرایی مناطق قوم‌نشین با ملت‌های آن‌سوی مرز مشترک خواهد شد (خندق و کوثری، ۱۳۹۷: ۸۱). درحالی‌که توزیع ملی دانشجویان از طریق گسترش جذب دانشجویان غیربومی در تمامی مؤسسات آموزش عالی سراسر کشور می‌تواند در آشناسدن دانشجویان با سایر هموطنان خود و علاقه‌مندی به سایر نقاط کشور و از این طریق با میراث ملی ایران مؤثر واقع شود و از بروز کنش‌های واگرایانه از سوی دانشجویان قومی جلوگیری نماید. یکی از راه‌های مهم برای پرهیز از بومی‌شدن دانشگاه‌ها در رابطه با جذب دانشجویان، می‌تواند جلوگیری از رشد نهادهای آموزش عالی در کشور می‌باشد. به‌طور کلی گسترش بی‌رویه مؤسسات دولتی و خصوصی آموزش عالی به شهرها، شهرستان‌ها و بخش‌های کشور می‌تواند از ادغام اجتماعی و ملی جلوگیری کرده و زمینه‌های رشد احساسات و تعلقات محلی و قومی را به ضرر احساس ملی افزایش دهد (احمدی، ۱۳۹۰). به‌عنوان راه‌حل جایگزین در شرایط کنونی می‌توان به این راهکار نیز اشاره کرد که بومی‌گزینی دانشگاه‌ها می‌تواند در اشکال محدودتر در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی همانند دانشگاه‌های پیام نور و غیرانتفاعی با متقاضیان کم‌تر اجرایی شود (خندق و کوثری، ۱۳۹۰: ۸۳). در مجموع شیوه جذب غیربومی و ترکیبی دانشجویان، در جهت تقویت ارتباطات بین قومی و تسهیل فرایند ادغام اجتماعی بوده و به تقویت گرایش اعضای گروه‌های قومی به هویت ملی خود مدد می‌رساند.

۳.۶ توجه به اقوام و تنوع قومی در سیاست‌گذاری‌های آموزش عالی

یکی از مسائل آموزش عالی در ایران، نبود الگو و سیاست روشن در رابطه با موضوع اقوام با محوریت زبان، گویش، دین و فرهنگ و قومیت است؛ درحالی‌که دانشگاه محیطی علمی-فرهنگی با تنوع سلیقه و گرایش‌های سیاسی، اجتماعی و هویتی محسوب می‌شود و ضروری است تمام این مسائل بر اساس الگویی مناسب مدیریت شود. با توجه به شرایط داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی ایران، سیاستگذاری در آموزش عالی باید علیه شکاف‌های قومی در کشور باشد و تمامی اقوام ایرانی و نقش آن‌ها در تکوین هویت ملی ایران به رسمیت شناخته شده و معرفی گردند. بی‌توجهی به واقعیت هویت‌های کوچک تر و خرده‌فرهنگ‌ها، کثرت‌گرایی فرهنگی در محیط‌های دانشگاهی، نبود زمینه‌های مناسب در برنامه‌های درسی برای آشنایی نسل جوان با خرده‌فرهنگ‌ها و قومیت‌ها و ... مشکلاتی را در جامعه دانشگاهی ایجاد کرده است. این مسائل، ضرورت سیاستگذاری در آموزش عالی در رابطه با موضوع قومیت را تقویت می‌کند (بلالی و محبی، ۱۳۹۷: ۵۵۴-۵۵۵ و ۵۷۳). با توجه به این که خرده‌فرهنگ‌ها و قومیت‌های مختلفی در سطح کشور وجود دارند و این که هویت ملی و انسجام ملی با کنارهم- قراردادن آن‌ها معنا پیدا می‌کند (بذرافشان مقدم و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۱۰)، بنابراین برای احیای رسالت دانشگاه در این بافت چندقومی، تدوین منشور فعالیت فرهنگی در دانشگاه‌ها با هدف وحدت‌درکثرت یا تقویت همگرایی و تعهد ملی با حفظ تنوع ضرورتی انکارناپذیر به‌شمار می‌آید (قادرزاده، ۱۳۹۱: ۲۴۶). به‌طورکلی با رشد و افزایش کمی آموزش عالی در ایران، زمینه‌های مناسبی برای مفاهیم بین‌فرهنگی شکل گرفته است که سیاستگذاران می‌بایست از این امر به‌عنوان یک فرصت برای تحکیم مبانی همبستگی ملی استفاده کنند (نظری و باقری، ۱۳۹۰: ۲۶). انعکاس مطالبات قومی و برجسته‌شدن هویت قومی در نزد دانشجویان قومی نباید به‌عنوان تهدید قلمداد شود، چراکه طرح این‌گونه مسائل در محیط دانشگاه، مجالی برای آشنایی با مسائل و مشکلات اقوام فراهم نموده و به افزایش قدرت تشخیص حاکمیت برای مواجهه منطقی با آن‌ها کمک کرده و از زیرزمینی و رادیکالیزه‌شدن خواسته‌های این دانشجویان جلوگیری می‌کند. این موضوع به‌نوبه‌ی خود تقویت هویت ملی در نزد این دانشجویان را در پی خواهد داشت (قادرزاده، ۱۳۹۱: ۲۴۵).

۴.۶ مواجهه منطقی با فضای مجازی و بهره‌گیری از امکانات آن

اکثر سیاست‌گذاران ایران نسبت به فضای مجازی دارای رویکردی سلبی بوده و توجه چندانی به نیازهای ارتباطی مخاطبان در پیوستن به این فضا ندارند. نکته اینجاست که استمرار این رویکرد، زمینه را برای تأثیرپذیری هرچه بیشتر دانشجویان ایرانی از فضای مجازی فراهم می‌کند. براین اساس لازم است دولت جمهوری اسلامی فضای مجازی را همچون فرصتی در نظر بگیرد تا به وسیله‌ی آن بتواند گرایش کاربران داخلی را نسبت به موضوعات مهمی چون هویت ملی تقویت نماید. دستیابی به این امر منوط به آن است که نظام حکمرانی به‌عنوان نهاد متولی امر سیاست‌گذاری در آموزش عالی با توجه به مقتضیات و امکانات فضای مجازی با نگاهی واقع‌بینانه و علمی به تدوین سیاست‌های مناسب در این عرصه بپردازد. باید به این نکته‌ی مهم توجه داشت که فرایند جهانی‌شدن و فضای مجازی در کنار چالش‌هایی که ایجاد می‌کنند، فرصت‌هایی نیز می‌آفرینند که در صورت شناخت صحیح از این پدیده‌ها، می‌توان از فرصت‌ها و امکانات آن‌ها بهره‌برده و بر چالش‌ها غلبه نمود. به‌طور کلی در مورد فضای مجازی نباید نگاهی صرفاً تهدیدآمیز داشت، بلکه اگر دولت جمهوری اسلامی شرایط و توانایی بهره‌گیری مناسب از امکانات این عرصه را داشته باشد، در آن صورت فضای مجازی می‌تواند به فرصت تبدیل شود، به‌طوری‌که از طریق آن می‌توان به صیانت از هویت ملی دانشجویان در برابر چالش‌ها و ترویج مبانی این هویت پرداخت. در واقع وجود سرمایه‌ی کم‌نظیر در گنجینه هویت ملی ایران، پشتوانه محکمی برای نظام حکمرانی ایران است تا بتواند به‌بهترین وجه از امکانات فضای مجازی برای معرفی هرچه بهتر این هویت و تقویت گرایش دانشجویان به هویت ملی خود سود ببرد. به‌جای برخورد قهرآمیز با محتویات و الگوهای هویتی مدرن و قومیتی موجود در فضای مجازی، می‌بایست تعریف مشخصی از مرز دسترسی و استفاده در عرصه فضای مجازی به صورت آگاهانه ارائه نمود. به‌نظر می‌رسد آموزش و افزایش سواد رسانه‌ای مناسب و علمی در سطح دانشجویان و مراقبت متناسب با فهم جایگاه فضای مجازی بر این فضا می‌تواند به‌عنوان یکی از پیشنهاد‌های اساسی برای سیاست‌گذاران این حوزه باشد تا بتوان با استفاده از امکانات این عرصه، شرایط تقویت و افزایش تعلق‌خاطر دانشجویان به هویت ملی را فراهم نمود. سواد رسانه‌ای به این کاربران، این توانایی را می‌دهد که به کنش‌گران فعال و آگاه تبدیل شده و هر پیامی که از جانب این رسانه‌ها به آن‌ها می‌رسد را به‌صورت درست بپذیرند. در این صورت آنان می‌توانند مهارت‌های لازم را برای زیستن مطلوب و گزینش عقلانی در دنیای پیچیده‌ی کنونی کسب کرده و با خودآگاهی و میل به ارتباط با جامعه ملی دست یابند.

۵.۶ توجه بیشتر به علوم انسانی و مرتبط کردن آن با جامعه از طریق اهمیت دادن به پژوهش، کار آفرینی و جامعه‌محور کردن دانشگاه

توجه بیشتر و بهتر دولت به «علوم انسانی» می‌تواند نقش مؤثری در تقویت و استحکام هویت ملی در کشور داشته باشد. به‌طور کلی هنگام بررسی وضعیت کنونی علوم انسانی در ایران، با نارسایی‌ها و مشکلاتی مواجه می‌شویم که از رشد این حوزه‌ی علمی و تأثیرگذاری مطلوب آن در زمینه هویت ملی جلوگیری به‌عمل می‌آورد. این درحالی‌است که با توجه به تحولات هویتی صورت گرفته در ایران و به‌منظور تقویت هویت ملی، ناگزیر از تقویت علوم انسانی هستیم. تقویت که به معنای فهم مناسب آن و دادن جایگاه واقعی و عینی جهت بهره‌برداری از این علم است. آموزش علوم انسانی در ایران برای مقابله با چالش‌های پیش‌روی هویت ملی، ناگزیر است کارکردهای تازه‌ای را متناسب با روح زمانه و چالش‌های هویتی عصر جهانی شدن برای خویش برگزیند، که این مسئله مستلزم اتخاذ نگرشی نو به ابعاد و محورهای گوناگونی چون تعاریف، اهداف، ساختار، محتوا، منابع انسانی و ابزار و تکنیک‌های نوین آموزشی و پژوهشی در این حوزه است. فرایند جهانی شدن و تحولات تکنولوژیکی و فرهنگی ناشی از آن بر علوم انسانی (مانند سایر رشته‌های علمی دانشگاهی) تأثیر گذاشته و آن را مجبور به انجام اصلاحاتی در درون خود کرده است. به‌طور کلی این شرایط، انجام مطالعات و پژوهش‌های بیشتر و علمی‌تر پیرامون هویت ملی ایران و وضعیت آن در عصر جهانی شدن را ضروری ساخته است. از این‌رو نخبگان دانشگاهی و فکری علوم انسانی می‌بایست اقدامات هدفمند و برنامه‌ریزی‌شده‌ای را در جهت اندیشه‌ورزی و انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی و اجرایی در این زمینه صورت داده و به ارائه راهکارهای منطقی و قابل‌اجراء پردازند. آنان این وظیفه‌ی علمی را برعهده دارند که در جهت تقویت هویت ملی دانشجویان به‌عنوان یکی از نیازهای ملی جامعه، خدمت کرده و به تولید دانش و آگاهی درباره هویت ملی ایران و ارائه تحلیل‌های مستقل از نهادهای حکومتی پردازند. به‌میزانی که چنین فضایی در نهادهای دانشگاهی کشور فراهم شود، می‌توان انتظار داشت موضوع هویت ملی جایگاه بهتری در این عرصه کسب نماید که خود این موضوع، به تقویت تعلق خاطر دانشجویان نسبت به آن کمک خواهد کرد. علاوه‌براین، افزایش نیافتن بودجه‌های لازم برای انجام پژوهش‌های مربوط به هویت ملی و فقدان نظارت صحیح و کارشناسانه بر فعالیت‌های علمی در این زمینه موجب می‌شود تا اولاً بودجه‌های پژوهشی حیف‌ومیل شده و ثانیاً پژوهش‌های انجام‌شده از سطح علمی و کاربردی

پائینی برخوردار گردند و به موضوعات غیرعلمی، فرعی و غیرسودمند اختصاص یابند و در نتیجه سودمندی‌ای در جهت کمک به تقویت هویت ملی نداشته باشند.

۷. نتیجه‌گیری

هویت ملی یکی از عرصه‌های مهمی است که حکومت می‌تواند با اتخاذ سیاست‌ها و به‌کارگیری روش‌هایی به نحو مناسب آن را در حوزه حکمرانی مدیریت کند. اهمیت هویت ملی به دلیل نقش آن در ایجاد وحدت و همبستگی ملی در کشور و کمک به دستیابی جامعه به امنیت، ثبات و پیشرفت است و این موضوع، حکومت را ملزم به توجه جدی به این حوزه راهبردی کرده و از این رو باید سعی کند تا با اتخاذ راهبردها و به‌کارگیری روش‌هایی به تقویت گرایش اعضای جامعه نسبت به هویت ملی خود و در نتیجه، تحکیم همبستگی و هویت ملی در کشور بپردازد. با توجه به این که دوام و بقای هر پدیده اجتماعی و فرهنگی به عوامل مهمی چون نوع سیاست‌های حکومت و شیوه‌ی حکمرانی وابسته است، بنابراین استمرار، پویایی و بقای هویت ملی یک جامعه نیز ارتباط اساسی با عوامل مذکور دارد و از این رو عدم اتخاذ روش‌ها و راهبردهای مناسب در عرصه حکمرانی در رابطه با موضوع هویت ملی، می‌تواند موجبات تضعیف همبستگی و هویت ملی در کشور را فراهم نموده و آن کشور را از دستیابی به ثبات و پیشرفت دور نماید.

نکته‌ی مهم در این جا این است که یکی از سازوکارهای مهم حکومت برای تکوین و تقویت هویت ملی و ایجاد زمینه‌های تعلق به آن در نزد اعضای جامعه، نهاد آموزش عالی است. نظام آموزش با ارائه نقشی بی‌بدیل در تعلیم و تربیت و انتقال مفاهیم مرتبط با هویت ملی، می‌تواند زمینه‌های تقویت و تحکیم ارکان فرهنگی و هویتی را فراهم آورد. به‌طوری که در نتیجه‌ی کارکرد نهاد آموزش عالی به تدریج احساسات، علائق و وفاداری‌های خرد و فروملی، با احساسات، علائق و وفاداری کلان و مرتبط با واحد ملی پیوند یابد و افراد خود را متعلق به ملت احساس کرده و در نتیجه از هویت ملی برخوردار گردند. این مسئله می‌تواند در تقویت و تحکیم همبستگی و انسجام اجتماعی در کشور نقش ایفا نماید. نکته اینجاست که این نهاد آموزشی برای محقق‌ساختن اهداف خویش در زمینه هویت ملی و کمک به تقویت آن در عصر حاضر - موسوم به عصر جهانی شدن - ناچار است خود را با تغییر و تحولات این عصر هماهنگ نموده و به نوعی بر چالش‌های آن فائق آید. از این رو آنچه برای نهاد مذکور حائز اهمیت است، اتخاذ رویه و رویکردی متناسب با شرایط جدید از سوی نظام حکمرانی است.

با توجه به این، دولت جمهوری اسلامی ایران نیز در حال حاضر ناگزیر از بهره‌گیری مطلوب‌تر از نهاد آموزش عالی به‌عنوان یکی از ابزارهای مهم حکمرانی خود، به‌منظور تربیت و آموزش دانشجویان در جهت تقویت گرایش آنان به هویت ملی خود و در نتیجه، تحکیم همبستگی و انسجام اجتماعی در کشور می‌باشد. در کشور ایران با توجه به اوضاع و ویژگی‌های جمعیتی، امر آموزش اهمیت زیادی دارد، زیرا بخش عمده‌ای از جمعیت کشور جوان هستند و دانشگاه در شکل‌گیری هویت این گروه سنی تاثیر به‌سزایی دارد. بنابراین با توجه به نقش اساسی این نهاد آموزشی در زمینه‌ی هویت ملی، دولت جمهوری اسلامی می‌بایست در این عرصه تمهیداتی متفاوت نسبت به گذشته اتخاذ نماید تا در نتیجه‌ی آن، افرادی پرورش یابند که توجه به هویت ملی ایرانی را در هویت‌جویی، لازم و حیاتی انگارند.

نکته‌ی اساسی در اینجا این است که در صورت عدم اتخاذ سیاست هویتی مناسب و شیوه مدیریتی کارآمد در راستای تقویت آگاهی از سوی نظام حکمرانی ایران در عرصه آموزش عالی، می‌تواند موجبات بروز بحران هویت ملی و تضعیف همبستگی و انسجام اجتماعی در کشور را فراهم نماید. در واقع یکی از راه‌های تقویت هویت ملی در ایران، سیاست‌گذاری مناسب در عرصه آموزش عالی با هدف افزایش و تعمیق آگاهی دانشجویان است. از این‌رو دولت جمهوری اسلامی باید تلاش کند تا با ایجاد تغییراتی در رویکرد هویتی و شیوه مدیریت نظام آموزش دانشگاهی کشور، احساس تعلق دانشجویان به کشور و هویت ملی را تقویت کرده و از بروز بحران هویت ملی و وارد شدن آسیب به هویت ملی کشور جلوگیری نماید. براین‌اساس دولت جمهوری اسلامی می‌تواند با اتخاذ و اجرای سیاست‌هایی در عرصه آموزش عالی، به تقویت گرایش دانشجویان به هویت ملی خود کمک نماید. برنامه‌ریزی جهت شناخت معرفت‌افزایانه دانشجویان از منابع هویت ملی ایران؛ جلوگیری از فرایند بومی‌گزینی دانشجویان در دانشگاه؛ توجه به مؤلفه‌های هویتی اقوام ایرانی و تنوع قومی در سیاست‌گذاری‌های آموزش عالی؛ مواجهه‌ی منطقی همراه فهم با فضای مجازی و بهره‌گیری از ظرفیت آن؛ و توجه بیشتر به علوم انسانی جهت کاربرد آن در عرصه واقعی و عینی جامعه.

کتاب‌نامه

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۰). فرهنگ و هویت ایرانی و جهانی‌شدن، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- ابوالحسنی، الهه (۱۳۹۱). «حکمرانی مردم‌سالارانه»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۲، شماره ۱، صص ۱-۱۹.

- احمدپور، خسرو و سراجزاده، سیدحسین (۱۳۹۸). هویت ملی در ایران: مرور سیستماتیک مقاله‌های علمی - پژوهشی، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۷۸، دوره ۱۲، شماره ۱، صص ۳-۲۴
- احمدی، حمید (۱۳۹۰). «آموزش عالی؛ وحدت و همبستگی ملی در ایران»، در: مجتبی مقصدی، نهادهای اجتماعی و همبستگی ملی، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۲). علم سیاست در ایران، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- اشرف، احمد (۱۳۹۵). هویت ایرانی: از دوران باستان تا پایان پهلوی، ترجمه و تدوین حمید احمدی، تهران: نشر نی.
- بابایی فرد، اسدالله (۱۳۹۲). بحران هویت در جامعه معاصر ایران، تهران: چاپخش.
- بابایی فرد، اسدالله و شرقی، خدیجه (۱۳۹۳). «ایترنت، هویت، زندگی روزمره دانشجویان دانشگاه‌های پیام‌نور و آزاد اسلامی رامسر»، جامعه‌پژوهی فرهنگی، سال ۵، شماره ۲، صص ۱-۳۶.
- بذرافشان مقدم، مجتبی؛ مهدوی شکیب، علی و خجسته بوجار، مریم (۱۳۹۳). «بررسی دیدگاه مدیران، کارشناسان و دانشجویان نسبت به اجرای طرح بومی‌گزینی در پذیرش دانشجویان دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی»، فصلنامه مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی، سال ۴، شماره ۵، صص ۸۱-۱۱۳.
- بروجردی علوی، مهدخت و صدیق یزدچی، امیرسعید (۱۳۹۶). «تاثیر فضای مجازی بر هویت ملی و قومی در ایران»، فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین، دوره ۳، شماره ۱۲، صص ۸۷-۱۱۰.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۳ الف). عقل در سیاست، تهران: نگاه معاصر.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۳ ب). «توسعه سیاسی و بحران هویت ملی»، در: داود میرمحمدی، گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران، تهران: موسسه مطالعات ملی.
- بلالی، اسماعیل و محبی، سیده فاطمه (۱۳۹۷). «چالش‌های نظام آموزش عالی در موضوع قومیت و راهبردهای سیاست‌گذاری»، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۷، شماره ۳، صص ۵۵۳-۵۷۷.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۴). روایت غیریت و هویت در میان ایرانیان، تهران: فرهنگ گفتمان.
- جعفری، سکینه (۱۳۹۸). «مولفه‌های جهانی شدن دانشگاه در نظام دانشگاهی ایران از نظر صاحب‌نظران»، فصلنامه علمی پژوهشی آموزش عالی ایران، سال ۱۱، شماره ۲، صص ۱-۲۶.
- حسینی فر، عبدالرحمن و عباس‌زاده مرزبالی، مجید (۱۴۰۰). «فضای مجازی، چالش هویت‌جویی قومی و راهکارهای پیش‌روی دولت جمهوری اسلامی»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ۱۷، شماره ۱، صص ۱۷۸-۲۱۳.
- خدایی، ابراهیم و مبارکی، محمد (۱۳۸۷). «سرمایه اجتماعی و هویت»، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۱۶، صص ۱۱۹-۱۵۱.

نقش نظام حکمرانی آموزش ... (عبدالرحمن حسنی فر و مجید عباسزاده مرزبالی) ۲۹

- خندق، نجله و کوثری، ابوذر (۱۳۹۷). «تاثیر بومی‌گزینی در نظام آموزش عالی بر انسجام اجتماعی در ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، دوره ۱۹، شماره ۷۵، صص ۶۷-۸۴.
- دانایی، ابوالفضل و بابائی ساروئی، مصطفی (۱۳۹۶). «نقش رسانه‌های مجازی در گرایش به هویت ملی»، فصلنامه مطالعات ملی، دوره ۱۸، شماره ۷۱، صص ۴۳-۶۸.
- رجایی، فرهنگ (۱۳۸۶). «مشکله هویت ایرانیان امروز، تهران: نشر نی».
- رمضانزاده، عبدالله و بهمنی قاجار، محمدعلی (۱۳۸۷). «هویت ایرانی و چندگانگی قومی»، فصلنامه مطالعات ملی، دوره ۹، شماره ۳۳، صص ۶۹-۹۵.
- ساعی، منصور؛ حیدری، حسین و ساعی، احمد (۱۳۹۴). «بررسی و تحلیل تغییرات ارزش‌های اجتماعی جوانان با تاکید بر نقش تلویزیون‌های ماهواره‌ای»، فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۴۱، صص ۱۳۱-۱۵۲.
- سلامی، نیکا؛ رزقی شیرسوار، هادی و حقانی، محمود (۱۳۹۷). «شناسایی عوامل ایستایی-پویایی نظام آموزش عالی در ایران»، فصلنامه علمی پژوهشی آموزش عالی ایران، سال ۱۰، شماره ۲، صص ۸۹-۱۱۰.
- سیدامامی، کاووس (۱۳۹۱). «گوناگونی فرهنگی و ضرورت پاسداری از آن»، فصلنامه مطالعات فرهنگ-ارتباطات، شماره ۲۰، صص ۱۶۹-۱۹۱.
- سیدعلوی، سیدمحمد و مهاجران، بهناز (۱۳۹۶). «الزامات آموزش عالی ایران برای پیوستن به سازمان جهانی تجارت»، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دوره ۲۳، شماره ۱، صص ۱۳۷-۱۶۱.
- سیف‌اللهی، سیف‌اله؛ مروت، برزو و قیسوندی، آرمان (۱۳۹۳). «شکل‌گیری هویت قومی و ملی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در نزد ساکنان کرج»، فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال ۸، شماره ۲۴، صص ۱۰۳-۱۴۲.
- شیربگی، ناصر و عبدالله زاده، نسیم (۱۳۹۹). «تحلیل گفتمان سیاستگذاری آموزشی در نظام آموزش عالی ایران»، فصلنامه سیاستگذاری عمومی، دوره ۶، شماره ۲، تابستان، صص ۱۷۹-۲۰۰.
- صالحی امیری، سیدرضا؛ نوبخت حقیقی، محمدباقر و ذره‌پرست ملک‌زاده، طاهره (۱۳۹۳). «بررسی عوامل مؤثر بر ارتقای هویت ملی دانشجویان (مطالعه موردی: دانشجویان مدیریت امور فرهنگی دانشگاه جامع علمی-کاربردی رشت)»، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال ۳، شماره ۱۱، صص ۹۷-۱۱۶.
- صباغیان، علی (۱۳۹۸). «الزامات و پیامدهای تحول حکمرانی آموزش عالی در اروپا»، فصلنامه سیاستگذاری عمومی، دوره ۵، شماره ۲، تابستان، صص ۲۲۹-۲۴۷.
- طالبی، ابوتراب و عیوضی، یاور (۱۳۹۲). «هویت‌طلبی قومی در فضای مجازی»، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۱۶، صص ۱۳۵-۱۷۲.
- طیبنیا، مه‌ری السادات (۱۳۹۷). دانشگاه، هویت و سیاست زندگی زنان، تهران: دفتر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

۳۰ جستارهای سیاسی معاصر، سال ۱۴، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۲

- عباس‌زاده مرزبالی، مجید (۱۴۰۰). جهانی‌شدن، فضای مجازی و هویت ملی در ایران: چالش‌ها و راهکارها، تهران: انتشارات کویر.
- عباسی قادی، مجتبی و خلیلی کاشانی، مرتضی (۱۳۹۰). تاثیر اینترنت بر هویت ملی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- عدلی‌پور، صمد؛ قاسمی، وحید و کیانپور، مسعود (۱۳۹۲). «شبکه اجتماعی فیس‌بوک و هویت ملی جوانان»، فصلنامه مطالعات ملی، دوره ۱۴، شماره ۵۶، صص ۱۴۱-۱۶۴.
- عدلی‌پور، صمد؛ سلیمانی، حمید و مفاخری، اقبال (۱۳۹۳). «رابطه مصرف رسانه‌ای با هویت اجتماعی و سبک زندگی نوین در بین جوانان شهر تبریز»، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، سال ۲۱، شماره ۷۹، صص ۱۲۱-۱۴۶.
- عظیمی شوشتری، عباسعلی (۱۳۹۸). «ماهیت و شاخص‌های حکمرانی در نظام سیاسی جمهوری اسلامی»، پژوهش‌های سیاست اسلامی، سال ۷، شماره ۱۶، پاییز و زمستان، صص ۱۲۵-۱۵۵.
- قادرزاده، امید (۱۳۹۱). «هویت جمعی غالب در نشریات دانشجویی کرد زبان»، فصلنامه علوم اجتماعی، دوره ۱۹، شماره ۵۶، صص ۲۰۴-۲۵۱.
- قادرزاده، امید و احمدپور، مریم (۱۳۹۰). «کاربری اینترنت و تاثیر آن بر هویت اجتماعی: مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه کردستان»، مطالعات جامعه‌شناختی، دوره ۱۸، شماره ۳۹، صص ۳۵-۶۸.
- قاسمی، حاکم (۱۳۹۰). «همبستگی ملی در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی، مورد مطالعه: کتاب‌های فارسی»، در: مجتبی مقصودی، نهادهای اجتماعی و همبستگی ملی در ایران، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- قاسمی، علی‌اصغر و ابراهیم‌آبادی، غلامرضا (۱۳۹۰). «نسبت هویت ملی و وحدت ملی در ایران»، فصلنامه راهبرد، شماره ۵۹، صص ۱۰۷-۱۳۸.
- قجری، علی و نوربخش، یونس (۱۴۰۰). «فصلنامه مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی»، سال ۹، شماره ۱۷، بهار، صص ۳۹-۶۷.
- کریمی، علی (۱۳۹۰). «تاملی نظری درباره نسبت آموزش عالی و همبستگی اجتماعی؛ مرور اجتماعی تجربه مالزی»، فصلنامه مطالعات ملی، ویژه‌نامه، دوره ۱۲، شماره ۱، صص ۷۷-۱۰۴.
- کریمیان، زهرا و احمدوند، علی محمد (۱۳۹۱). «جامعه اطلاعاتی، هویت فرهنگی و رسالت دانشگاه‌ها»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره ۵، شماره ۳، صص ۴۷-۷۶.
- کیان، مریم و قلی‌پور، زهره (۱۳۹۵). «آثار تربیتی شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه بر هویت ملی و دینی دانشجویان»، فصلنامه رسانه، سال ۲۷، شماره ۲، صص ۱۰۵-۱۲۲.
- گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۹). جهانی‌شدن، فرهنگ، هویت، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴). چشم‌اندازهای جهانی، ترجمه محمدرضا جلالی‌پور، تهران: انتشارات طرح نو.

نقش نظام حکمرانی آموزش ... (عبدالرحمن حسینی فر و مجید عباسزاده مرزبالی) ۳۱

- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۷). دموکراسی و هویت ایرانی، تهران: انتشارات کویر.
- مسعودنیا، حسین؛ محموداغلی، رضا و ابراهیمی‌پور، حوا (۱۳۹۵). «بررسی رابطه مصرف اینترنت و هویت دینی در بین دانشجویان دانشگاه اصفهان»، فصلنامه مطالعات ملی، دوره ۱۷، شماره ۶۵، صص ۱۰۷-۱۳۲.
- مقصودی، مجتبی (۱۳۹۱ الف). مقدمه، در: مجتبی مقصودی، هویت و همبستگی ملی در نظام آموزشی ایران، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- مقصودی، مجتبی (۱۳۹۱ ب). «بایسته‌های نظام آموزشی ایران در حوزه سیاست‌گذاری‌های هویتی و همبستگی ملی»، در: مجتبی مقصودی، هویت و همبستگی ملی در نظام آموزشی ایران، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- مهدیه، عارفه؛ همتی، رضا و دادهیر، ابوعلی (۱۳۹۵). «فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی دانشجویان دکتری؛ مورد دانشگاه اصفهان»، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دوره ۲۲، شماره ۱، صص ۴۵-۷۳.
- میرمحمدی، داود (۱۳۹۴). فضای مجازی و تحولات هویتی در ایران، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- نظری، علی‌اشرف و باقری، صمد (۱۳۹۰). «آموزش عالی و همبستگی ملی در ایران (۱۳۶۸-۱۳۸۴)»، فصلنامه مطالعات ملی (ویژه‌نامه)، دوره ۱۲، شماره ۱، صص ۳-۲۸.
- تقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۱). تاثیر فرهنگ ملی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- نیکونستی، علی (۱۳۹۰). «حکمرانی و توسعه: گذشته، حال، آینده»، فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، سال ۱۶، شماره ۴، زمستان، صص ۱۲۹-۱۵۴.
- واترز، مالکوم (۱۳۷۹). جهانی‌شدن، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی، تهران: سازمان مدیریت صنعتی.
- همتی، رضا و اصلانی، شهناز (۱۳۹۴). «عوامل موثر شکل‌گیری هویت دانشگاهی دانشجویان با تاکید بر اینترنت»، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دوره ۲۱، شماره ۳، صص ۱۲۱-۱۴۹.

Bevir, Mark (2012). *Governance, Very Short Introduction*, Oxford University Press: Oxford.

Enders, J (2004). "Higher education, internationalization, and the nation-state: Recent developments and challenges to governance theory", *Higher Education*, 47, pp. 361-382.

Henkel, M (2005). "Academic identity and autonomy in a changing policy environment", *Higher Education*, 49 (1-2), pp. 155-176.

Kjaer, A. M (2008). *Governance*, Cambridge: Polity.

Lewellen, T (2010). *The anthropology of globalization: cultural anthropology enters the 12th century*, Jaipur: Rawat.

Woodward, Kath (2000). *Questioning Identity: Gender, Class, Nation*. London: Routledge.